

Farris, Micheal P

فاریس، مایکل پی - ۱۹۵۱م

نکاتی که هر پدری باید به دخترش بیاموزد.

«چگونه می‌توانیم دخترمان را برای زندگی آینده آماده کنیم؟»

نویسنده: مایکل فاریس

978-964-174-127-5

مترجم: مهران مقدم

کرج: دُرّ دانش بهمن، ۱۳۸۹.

What a daughter needs from her dad: how a mand prepares

عنوان اصلی: his daughter for life, 2004

پدران و دختران -- جنبه‌های مذهبی -- مسیحیت

پدر -- زندگی مذهبی

مقدم، مهران - مترجم

زندگی مذهبی -- مسیحیت

۲۱۰۳۲۹۵

۲۴۸/۸۴۲۱

BV ۷۸۴۶ ۴۵۸ ۱۳۸۹



نشر دُرّ دانش بهمن

نکاتی که هر پدری باید به دخترش بیاموزد

مایکل فاریس

مترجم: مهران مقدم

ویراستار: زهرا مردانی

لیتوگرافی: سپهر بهمن

صحافی: بهمن

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۸۲۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: داود راسخی

حق چاپ مخصوص نشر دُرّ دانش بهمن می‌باشد.

ISBN: 978-964-174-127-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۴-۱۲۷-۵

دفتر نشر: کرج، بلوار طالقانی شمالی، نبش کوچه نسیم، طبقه سوم نمایشگاه دایمی کتاب بهمن. ۲۲۶۲۹۱۲-۲۲۶۲۹۱۳-۲۶۱

مرکز بخش کرج: نمایشگاه‌های دایمی کتاب بهمن

مرکز بخش تهران: میدان انقلاب، اول کارگر جنوبی، کوچه رشت چی، پلاک ۲۰. تلفن: ۴-۶۶۵۶۹۸۲۳-۲۱

مقدمه

هرگز آن روز صبح را فراموش نخواهم کرد. هوای پاک و لطیف جنوب غرب اقیانوس آرام، آبی لاجوردی تابناکی را منعکس می‌کرد. یک‌شنبه‌ای عالی در اواخر ماه ژوئن بود. در اسپوکان، واقع در ایالت واشنگتن، شهری که در آن زندگی می‌کردیم. بعضی مردها تعطیلات آخر هفته را به ماهیگیری می‌رفتند، بعضی‌ها سرگرم کوتاه کردن چمن‌های جلوی منزلشان می‌شدند و بعضی‌ها هم برای بازی گلف از تعطیلات نهایت استفاده را می‌بردند.

مطمئن نیستم در آن زمان همه مردهای شهرمان ۲۸ ژوئن سال ۱۹۷۵ را به خوبی به خاطر داشته باشند. اما من به خوبی آن روز را به یاد دارم. آن روز درست اولین روزی بود که اولین فرزندم را برای نخستین بار، حتی پیش از همسرم، در آغوش گرفتم.

پرستارها مشغول مراقبت از همسرم بودند و من دخترم، کریستی، را که میان پتویی سفیدرنگ و گرم پیچیده شده بود را در آغوش داشتم و طول و عرض اتاق زایمان را قدم می‌زدم. تمام مدت آن دو چشم معصوم یا نگاهی لغزان به چشم‌هایم خیره شده بودند.

همان لحظه اطمینان یافتم پس از آن زندگی‌ام کاملاً دگرگون خواهد شد. ظرف یک و یا دو روز آینده تصمیمات قاطع بسیاری گرفتم. با خود عهد کردم تمام معایبم را برطرف کنم و از هر جهت انسان بهتری شوم. چرا که، از همان صبح پدر پرغرور دختری شده بودم؛ پدر دختری زیبا! موهایم را اصلاح کردم و به همسرم ویکی قول دادم که در منزل رفتار مناسب‌تری داشته باشم. همان موقع قول‌های دیگری نیز به همسرم دادم، قول‌های بسیار دیگری.

اکنون از آن روز صبح و همه قول‌ها سی سال به سرعت باد گذشته است. پس از آن من و ویکی صاحب پنج دختر و چهار پسر دیگر شدیم. کریستی ازدواج کرد و در حال حاضر مادر سه دختر است. جیمی، دومین فرزندان نیز ازدواج کرده است و صاحب دو دختر است. یک پسر و یک دختر نیز حاصل زندگی زنانوی کتی، سومین فرزندان می‌باشد. جسیکا، نوزده ساله، هم‌اکنون دانشجوی سال دوم کالج «پاتریک هنری» است و آنجی و امیلی، به ترتیب ۱۶ و ۱۳ ساله، هنوز با ما زندگی می‌کنند.

شش دختر! کمتر مردی را می‌توان یافت که پدر شش دختر باشد. به عنوان یک پدر طی سال‌های متمادی همه رفتارهای دخترانم را مدنظر قرار دادم و با کمک همسری بی‌نظیر و همچنین خداوند در امر تعلیم و تربیت فرزندانم موفقیت‌های چشم‌گیری کسب کرده‌ام. چهار دختر اولمان که هم‌اکنون به بلوغ کامل رسیده‌اند همگی جذاب، هوشمند، اخلاق‌مدار و از نظر معنوی بسیار پرشور هستند. دو دختر کوچک‌ترمان نیز در مسیری مشابه گام برمی‌دارند. اگر موفقیت‌های فرزندانمان گواه بر به ثمر نشستن تلاش‌هایمان در امر تعلیم و تربیت آنها نبود، هرگز تصمیم به نگارش کتاب حاضر نمی‌گرفتم. با وجود این، به هیچ وجه ادعا ندارم که برای فرزندانم پدری کامل بوده‌ام. هرگز چنین نبوده است. قصدم از نگارش این کتاب تنها در میان گذاشتن و بحث کردن درباره نکات و تجربیاتی است که سالیان سال از موفقیت‌ها و اشتباهاتم کسب کرده‌ام. خدا را سپاس گزارم که طی همه این سال‌ها بخت همنشینی با مردان اندیشمند بسیاری را نصیب کرد و توفیق یادگیری از آنها را برایم فراهم آورد. رهنمودهای این مردان آرمان‌های متعالی را به من آموختند که در تمام تنگناهای زندگی گره‌گشای لحظات سخت و دشوارم به عنوان یک پدر بودند. از همه بزرگانی که به نحوی در زندگی‌ام نقش داشته‌اند سپاس گزارم.

شور و شعف خارق‌العاده‌ای در تجربه پدر شدن وجود دارد، پدر یک دختر -

شوری که بدون تردید آن را با دیگران در زندگیتان قسمت خواهید کرد.
قصد من از نگارش چنین کتابی بیان و قسمت کردن تجربیاتی است که طی
سالیان سال کسب کرده‌ام؛ تجربیاتی که بدون تردید شما را در پدری بهتر بودن
یاری خواهند کرد. اطمینان دارم روزی که دخترتان چشم به دنیا گشود، عواطف
و احساسات شما نیز همانند احساسات من در آن صبح کاملاً برانگیخته شدند و
شما نیز با خود عهد کردید که از آن پس پدری نمونه و بی‌همتا شوید. شعله شور
و اشتیاق پدری بی‌نظیر بودن برای دختر کوچکمان همچنان در سینه‌هایمان موج
می‌زند. بیاید این شعله را بیش از پیش فروزان‌تر کنیم.

www.ketabonline.ir